

# باز هم در باب سیاست زندگی

## هادی خانیکی

نمی‌دانم این روزها ذهنیت جمعی و افکار عمومی ما بیشتر در پی کدام مساله می‌رود؟ مذاکرات وین و سرانجام برجام؟ حمله روسیه به اوکراین؟ یا کشمکش بر سر طرح «صیانت از کاربران در فضای مجازی» که به نام «حمایت از کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی در فضای مجازی» دگرباره جامعه را نگران سیاست‌گذاری‌ها و محدودیت‌های تازه در دسترسی به اطلاعات کرد؟ شاید پیمایش‌ها و مطالعات اجتماعی و ارتباطی می‌توانند پاسخ‌هایی برای این پرسش، بیابند اما پیش از آن هم این گمانه شاید به واقعیت نزدیک‌تر باشد که دغدغه‌های خبری شهروندان بیشتر به سوی مسائلی است که زندگی آنان را مستقیماً هدف قرار می‌دهد. زندگی برای هر کس در هر جا و از هر نظر چنان دشواری‌هایی یافته است که خوانش و تفسیر هر رخدادی بلافاصله به سوی اثرش بر زندگی آن هم زندگی فردی و روزمره می‌رود. به تعبیر زبان‌شناسانه آیوکاوا: «پیام در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد.» سلمان صادقی‌زاده مترجم اثر ارزنده آلن تورن متفکر نامدار فرانسوی - برابری و تفاوت- به درستی می‌نویسد: در افکار عمومی ایران امروز «سیاست زندگی» به سرعت جایگزین «سیاست رهایی» می‌شود و سرعت این جایگزینی تا حدی است که برخی به اشتباه افتاده و از آن به زوال سیاست و نیهیلیسم پیشرونده یاد می‌کنند. آنچه ما از آن به شکاف نسلی یاد می‌کنیم و گاهی با دیده سرزنش بدان می‌نگریم، در مواردی ناشی از ناتوانی درک منطق رفتاری نسل‌های جدید است، چیزی که همواره برای نسل‌های قدیمی دشوار بوده است. اگر چنین باشد که به نظر می‌رسد هست باید احتمال داد که حتی در همین روزهای پرحادثه، در مقیاس ملی و جهانی چشم‌های شهروندان ایرانی بیشتر نگران آنند که جهان زیست ارتباطی و اطلاعاتی آنان با انسداد یا اختلال تازه‌ای روبه‌رو شود. زیستن در کهکشان اینترنت، الزامات و ساز و کارهایی می‌خواهد که اگر همه واژگان زیبای لغتنامه‌ها هم به مدد سیاست‌گذاری‌های محدودکننده طرح صیانت بیایند از نارضایتی و هراس شهروندان ایرانی چیزی نمی‌کاهد. طرح به درستی در برابر «سیاست زندگی» آن هم همه زندگی و نه تنها ساحت سیاسی‌اش تفسیر می‌شود.

يك نظرسنجي معتبر در مرداد ماه امسال نشان داد، 74 درصد از شهروندان ايراني كه از طرح صيانت خبردار شده بودند، مخالف تصويب و اجراي آنند. داده‌هاي همان نظرسنجي حاكي از آن بود كه 14.5 درصد پاسخ‌دهندگان يعني حدود 9 ميليون نفر در سطح ملي از طريق رسانه‌هاي اجتماعي كسب درآمد مي‌كنند و اين با احتساب وابستگي زندگي حداقل 2 نفر ديگر از خانواده يعني وابسته بودن مستقيم زندگي قريب 27 ميليون انسان به حوزه‌اي كه هر روز به بهانه‌اي در معرض تحديد و تحديد قرار مي‌گيرد. با احتساب چنين واقعيت‌هايي اين روزها بايد نه تنها به گفته كاربران شبكه‌هاي اجتماعي «انگشت در چشم جامعه نكن»، بلكه چشم‌ها را هم بايد شست و جور ديگر بايد ديد. اگرچه زندگي روزمره، اقتصاد ما و اجتماع ما سياستزده است، اما زيست بوم ما بزرگ‌تر از سياست شده است. از انگاره و پارادايم سياست كه همه‌چيز را سياسي مي‌ديد به انگاره و پارادايم فرهنگ پا نهاده‌ايم كه در آن آزادي و دسترسي به اطلاعات حرف اول را ميزند. اين دگرگوني را اگرچه امروز در مقياس «جامعه شبكه‌اي» و «جامعه پلتفرمي» بيشتر مي‌بينيم و مي‌فهميم اما در مقياس‌هاي پيشين هم ناديدني و نافهميدني نبود. باز هم كمي به گذشته بر مي‌گردم. هنوز خبري از اينترنت نبود، اما ماهواره آمده بود. سردبيري فصلنامه‌اي تحقيقاتي در مسائل اجتماعي و فرهنگي را به نام «نامه فرهنگ» عهده‌دار بودم. نخستين شماره آن در پاييز 1369 ميزگري را با حضور چند تن از فرهنگ‌پژوهان و ارتباط‌شناسان برگزار كرد تا چشماندازهاي آينده را ترسيم كند. آنچه در پي مي‌آيد بخشي از گفته‌هاي شادروان دكتور علي اسدي است كه به نظر مي‌آيد تا شنيده ماند: «اكنون برخلاف تصور قبلي mass media مبني بر اينكه همه چيز را مثل بولدوزر صاف مي‌كند، اصلا خود مفهوم ارتباط در حال دگرگون شدن است. يعني ارتباط جمعي ديگر ارتباط جمعي نيست. وجه جمعي آن دارد حذف مي‌شود و به يك ارتباط دو سويه خيلي متنوع و گروه‌ي تبديل مي‌شود. مثلا در امريكا، كانادا يا اروپا ديگر تلويزيون‌هاي ملي فراگير جاي خودشان را به تلويزيون‌هاي محلي مي‌دهند، زيرا ميزان انطباق‌پذيري‌شان بيشتر است و به نيازهاي يك گروه خاص بيشتر پاسخ مي‌دهند. يعني در عين حال كه به طرف تمرکز مي‌رويم، به طرف رفع تمرکز هم مي‌رويم. اين همان شرطي است كه براي شكوفايي فرهنگ‌هاي قومي، ملي و محلي بايد وجود داشته باشد. بنا بر اين جهان آينده، جهاني است كه از ارتباط و مشاركت پاره فرهنگ‌ها شكل مي‌گيرد نه فقط از يك فرهنگ مسلط، البته در کوتاه مدت آثار ديگري دارد، چراكه در کوتاه مدت فرهنگ‌هاي ضعيف‌تر به دليل اينكه زايندگي كافي را پيدا نكرده‌اند، مصرف‌كننده ميشوند، ولي در درازمدت زاينده خواهد شد. مثلا به مساله تكنولوجي توجه كنيد. ما

اول بدون دخل و تصرف تکنولوژی را وارد می‌کردیم، ولی الان کم‌کم به راز و رمز کار کردن با تکنولوژی جدید و تغییر و انطباق آن با شرایط خود آگاه شده‌ایم و در مراحل آخر، به خلق تکنولوژی می‌رسیم. چنانچه در ژاپن شاهد این روند بودیم.»

منبع: روزنامه اعتماد 8 اسفند 1400 خورشیدی